**مصاحبه با NANPrivateKabul26082018**

**تاریخ: 26 اوگست 2018**

**[این مصاحبه مکمل مصاحبه ی دیگری است که از مسؤل این شرکت در کارخانه گرفته شده از این لحاظ بسیاری بخش ها قبلا پاسخ دریافت کرده اند]**

**مصاحبه در محل فروش تولیدات**

ک: وظیفه ی شما؟

NANPrivateKabul26082018: [نام شخص] رییس کمپنی [نام کمپنی]

ک: بسیاری سوال ها [در قسمت تعریف شرکت] قبلا پاسخ داده شده اند. سوال ها بیشتر بالای وع زندگی شما به عنوان مؤلد است. چی تغییراتی در وضع زندگی تان رونما شده بعد از وارد شدن در کار تولید. مثلا در وقت فراغت چی کارهایی می کنید؟

NANPrivateKabul26082018: در جوابتان باید بگویم که همین بخش صنعت یا تولید آدم ره بسیار سرگرم میسازه، آنقدر که [...] مه قبلا هر ماه یا دو ماه یک بار میرفتم خارج به سیاحت یا تفریح یا بزنس. حالی این قدر مصروف شدیم که شدیم که شاید شش ماه شده که مه از افغانستان بیرون نرفتیم. بنا به مصروفیت هایی که اس و کارهای اوپریشن که ده فابریکه است، ماشاالله ستفی [staff] که در اونجه معاش خور است و کار می کنند، همه ی اینها یک بوج [یک بار ذهنی] است بالای مه. دیگه، از نگاه این که زندگی خوب شده باشه، خوب نشده [خنده].

ک: مصروفیت های پس بیشتر شده؟

NANPrivateKabul26082018: بله ها.

ک: قبلا چی کار می کردید؟

NANPrivateKabul26082018: قبلا ما بزنس داشتیم و کار تسکتایل [textile] ره می کردیم. در دوبی یک دفتر داشتم، از چین به دوبی و از کوریا به دوبی و باز از دوبی به دیگر کشورها مثل ایران و عراق و سوریه و اینجاها او ره به مشتری ها به فروش میرساندیم. انگیزه ی که ما [او تجارت ره ترک گفتیم] این بود که اونجه هر چیزی که است از مردم است. همی بلدنگ ها و مقبولی های کشورهای دیگر همه اش برای خودشان اس. هیچ وقت [...] مه اونجه انویست کرده بودم، یک ترانسپورت داشتم. [اما] او هیچ وقت از مه نمیشه [نمیشد]. چون بلدنگ ها از شیخ زاهد است، مثلا. از همو شیخ های عرب است. دیگه هیچ وقت از مه نمیشد. بنا هر چی داشته باشه آدم، در وطن خود داشته باشه. و اینجه مه خوشحال هستم [در کارم]. اگر چه مه فایده ی کمپنی ره تا به حالی ندیدیم که مه کدام فایده ای سر جیب خود مانده باشم. تقریبا یک سال و یک و نیم سال است که ما کار می کنیم، کدام عایدی برایم نیامده. فقط خوش هستم که تعدادی از هموطن های بی بضاعت ما با ما همکار هستند و از این کمپنی منفعت می برند.

ک: چند بار ازدواج کرده اید؟

NANPrivateKabul26082018: [خنده] فقط یک بار!

ک: کتاب می خوانید؟

NANPrivateKabul26082018: بله کتاب خوش دارم.

ک: چی نوع کتابهایی؟

NANPrivateKabul26082018: کتاب هایی که مثلا [...] کتاب های اشعار خوش دارم. کتاب های که درباره ی سیاست خوش دارم بخوانم، در باره تاریخ خوش دارم.

ک: موسیقی؟

NANPrivateKabul26082018: موسیقی افغانی.

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید، تصویر مردم و درک شما از موقعیت مالی تان چیست؟

NANPrivateKabul26082018: نی الحمدالله از نگاه اقتصادی خوب اس. چون در این کمپنی مه بالاتر از 2 میلیون دالر انویست کرده ایم. بنا نمیشه گفت که فقیر هستم. چون همین سرمایه هم سرمایه ی فامیلی است. از فامیل خود ما است. دیگه گفته نمیتانیم که فقیر هستیم. دیگه لیمیتش ره شما تعیین کنید که در کدام موقعیت ما قرار داریم [خنده]

ک: مردم محل چی فکر می کنند؟

NANPrivateKabul26082018: خوب است. اونها هم می فهمند که چیز است [ما وضع مالی ما خوب است]

ک: تحصیلات؟

NANPrivateKabul26082018: تحصیلات، مه تا صنف 14 خواندیم و دیگر هم کوشش دارم که ادامه بتم. در رشته ی بزنس سال اولم اس در پوهنتون رنا.

ک: اگر وقتش ره داشته باشید [سه گزینه]:

NANPrivateKabul26082018: نی پول است انشاالله الحمدالله، فقط با دوست ها به یک رستورانت میریم.

ک: نقطه ی شهر؟

NANPrivateKabul26082018: در ناحیه ی دوی شهر کابل، کارته ی پروان.

ک: از برکت درآمد شرکت توانسته اید که وضع زندگی تان ره [...] به یک جای خوبتر بروید؟

NANPrivateKabul26082018: از حویلی [خانه] راضی هستم. خانه ی شخصی دارم. خوب هم است.

ک: اطفال خصوصی یا دولتی؟

NANPrivateKabul26082018: خصوصی.

ک: در اول که شرکت ره خواستید ایجاد کنید طبعا یک نفر به تنهایی شرکت ایجاد نمیتانه. کس های که به شما کمک رساندند به شکل مادی و معنوی: اعضای فامیل، خویش و اقارب، دوست ها، اعضای جامعه [قطع]

NANPrivateKabul26082018: اعضای فامیل

ک: فعلا چند موتر دارید؟

NANPrivateKabul26082018: فعلا سه تا دارم. شخصی

ک: مودلش؟

NANPrivateKabul26082018: یکیش پورشه 2007 است، و یک تایش پیک-اپ اس و یکیش لکسس.

ک: از درآمد شرکت بوده؟

NANPrivateKabul26082018: طبعا!

ک: حج هم رفته اید؟

NANPrivateKabul26082018: بله. دو بار.

ک: برای سفرهای تفریحی بیشتر کجا می روید؟

NANPrivateKabul26082018: تاشکنت میرم.

ک: چند باب خانه دارید؟

NANPrivateKabul26082018: خانه دو باب.

ک: که از درآمد شرکت به دست آمده؟

NANPrivateKabul26082018: بله.

ک: یک تصویری از دوست ها و رفیق هایتان بدهید؟

NANPrivateKabul26082018: همه دوست های مه از طبقه ی تاجر است. هم‌کلاسی های خود ما هستند. دیگه، با هر قسم مردم شیشت و برخواست نداریم. تعداد رفقای ما بسیار کم است. دیگر زیاد شیشت و خیز نداریم.

ک: مسایل امنیتی تا چی حد تأثیرگذار بوده بالای حجم تولید شما؟ شما گفتید که دو سال میشه که فعال بوده اید.

NANPrivateKabul26082018: امنیت خو در مجموع تأثیر خوده داره در هر چیز، بالای فروشات و بالای [...] مثلا جنس ما 15 روز در مسیر کابل و قندهار در راه بند ماند به خاطر امنیت خراب. چند روز موتر خراب شده بود و چند روز دیگر هم در غزنی جنگ شد. و فابریکه اینجه ایستاد ماند. اگر امنیت باشه، خوب موتر خرابیش زیاد مشکل‌ساز نیس. مگر 10 روز دیگری که در غزنی جنگ بود و اوضاع خراب بود، این همه یش تأثیر مستقیم بالای تولید داره.

ک: این برای انتقال [چی بود]؟

NANPrivateKabul26082018: برای انتقال مواد خام [از قندهار به کابل]

ک: تصمیم گیری در شرکت به چی گونه است؟ شما تقسیم وظایف/ساختاری دارید یا این که یک نفر تصمیم می گیره؟

NANPrivateKabul26082018: نخیر ما بورد داریم و با مشوره [قطع]

ک: تصمیم نهایی باز در دست کیست؟

NANPrivateKabul26082018: در دست خودم است. پریزدنت ان سی.ای.او [president and CEO]

ک: کارگرها برعلاوه معاش چی خدماتی دیگری برایشان داده میشه؟

NANPrivateKabul26082018: دو وقت نان برایشان داده میشه. چای صبح و نان چاشت. اضافه کاری برایشان داده میشه. وقتی که تقاضای مشتری زیاد میشه ما آنها ره اضافه کاری میتیم و همان قدر پول اضافه برایشان داده میشه.

ک: جای بود و باش هم دارند؟

NANPrivateKabul26082018: تعدادی که از ولایت است، یک 4، 5، 6 نفر آنها در همو فابریکه جای داده ایم برایشان. می باشند. و تعدادی که از کابل هستند میرن به خانه های خود.

ک: شامل کدام اتحادیه یا تشکلی هستند؟

NANPrivateKabul26082018: نخیر نی.

ک: حکومت خو نمی آیه که در قسمت قوانین کار تفتیش کنه؟

NANPrivateKabul26082018: والله حکومت هم اگر بیایه با باکی نداریم به خاطری که کار ما به ستندرد است. چون به ستندرد اگر کار نکنی پیش نمیره. باز کوالتی و جنسیت خراب میباشه. دیگر ما خود ما مطمین هستیم سر کار خود.

ک: هدفم مشخصا از قوانین کار بالای کارگرها بود، دولت تفتیش می کنه؟

NANPrivateKabul26082018: ها می کنند، بله! دارند یک اتحادیه ی کارگران افغانستان که می آیند و تفتیش می کنند. آنها می بینند که وضعیت کار چطور است. کارگرها راضی هستند نیستند. باز به کارگرهای برتر ما یک تقدیرنامه یا تحایفی هم میتیم.

ک: فعال هستند پس؟

NANPrivateKabul26082018: یک فیصدیی فعال هستند [خیلی کم]. نظر به افغانستان [خنده].

ک: در اول که می خواستید در این بخش سرمایه گذاری کنید حتما به یک نهاد دولتی رفتید که جواز بگیرید، آنها برای شما مشوره ای دادند که مارکیت در بخشی که شما سرمایه گذاری می کنید در این وضعیت است؟

NANPrivateKabul26082018: نخیر. متأسفانه این [مشوره دهی] در افغانستان نیست که اگر پول داری و سرمایه داری دولت بگویه که بیا این کار فایده داره. هم فایده به جامعه داره و به خودت. متأسفانه این رسرچ ره کسی نکرده در افغانستان. و اونجه که میری، [پرسان می کنند] جواز کار داری؟ "بله ها" و در 15 دقیقه برایت جواز میتن. در یک روز تمام میشه کارت. اگر می خواهی که جوازه لغو کنی، ماها باید بگرید. گفتی، یک متل اس که به "چهل قاضی کور معرفیت می کنند" [لبخند]. دیگه خیلی از تاجرها هستند که ترکِ پیشه می کنند و فعلا به طور اوسط دو جواز در روزی لغو میشه. یعنی در یک ماه 60 جواز. این یک گپی خوب نیس برای افغانستان. چون فرار سرمایه اس. همین که [شخص] جوازشه لغو می کنه میره [بیرون]. فعلا آغوش بسیار کشورها باز اس به تاجر. به طور مثال ازبکستان. که مه هم بعضی وقت به چکر میرم. میگن بیار [سرمایه ره].

ک: شما تصمیم دارید که انتقال بدهید؟

NANPrivateKabul26082018: اگر دولت سپورت نکنه مه مجبور هستم. زمین ندارم. برقم ماهی 5 لک افغانی می آیه. سیف [save] نیست. و ازبکستان زمین میته، اگر 5 جریب کار داشته باشی بگو 10 جریب، میته برایت. برای 20 سال. فقط چهار دیواری کو و فوندیشن [foundation] جور کو و کارته کو. فری اوف کاست [free of cost]. برق میته که به همو سُم ازبکی، که معادل یک افغانی می آیه، کیلو واتی یک افغانی. بسیار اقتصادی. و مواد خامی که از دیگر کشورها وارد می کنی به ازبکستان، همو زیر یک فیصد مالیه اش اس. بسیار چیزی کم. یعنی فری اوف کاست اس چیزی که وارد می کنه به شکل مواد خام. و اگر صادر می کنی از ازبکستان به خارج، باز او یک چیزی قایل میشه برایت دولت که به خاطر این که تو کسی هستی که از این ملک صادر می کنی. مگر در افغانستان ما ره کسی سپورت نمی کنه. امروز تقاضای ما از دولت همین اس که همین جنس مشابه ره وارداتشه بند کنه.

ک: باز این ظرفیت تولید اس در داخل که [قطع]

NANPrivateKabul26082018: هست! 5 فابریکه در افغانستان اس از دایپر، ما یک شفت کار می کنیم. اگر 3 شفت کار کنیم، بسیار به وجه احسن میتانیم. یک بار اگر این بند کنه 100 کمپنی دیگر فابریکه میاره. صد کمپنی پول داره همگیش، خو بی علاقه هستند از دولت. اگر اینها بند کنند [...] چون این بوج‌بار اس. یک کانتینر این 10 هزار دالر هزینه می گیره، 8 هزار دالر هزینه می گیره تا افغانستان می آیه. بسیار یک چیز هنگفت است. اینجه که تولید میشه مواد ما به تُن میایه. 25 تُن یک کانتیرن میایه یک ماه ما از او استفاده می کنیم. این که تولید می کنیم بسیار خوب اس منتها که رقیب های خارجی داریم. چین دمپنگ می کنه، همی فعلا ترکیه دمپنگ داره. 20 فیصد به تاجرش میته که تو اکسپورت کو. زمانی که این کانتینر ره بار کرد و سیل [seal] شد، هیئت می آیه که اگر یک لک دالر شده، اینه 20 هزار دالر ره بگیر. هیچ اگه از تولید فایده هم نکنه همین 20 هزار دالر برایش کلان گپ اس. این همین دولت ها می خواهند که اقتصاد خوده جور کنن. مگر متأسفانه در افغانستان نمی خواهند.

ک: هیچ نهادی نیست که شما در همین زمینه ها با ارتباط باشید همرایش؟

NANPrivateKabul26082018: ما چندین بار گفتیم گفتند پروپوزل بیارین. این پروپوزل جور کردن فایده نداره. پروپوزل که جور شد میگن والله نمیتانین [به حد نیاز تولید کرده]. برادر! تو برو یک بار سروی کو. تو وارداته کتی تولید مقایسه می کنی. تاجر از خارج میاره، جنسه کانتیر میاره ستوک می کنه. شش ماه نوبت ای میرسه که ای ره بفروشه [بنا ارقام واردات ره با ارقام تولید مقایسه کردن درست نیست چون واردات دفعتا به فروش نمیرسند و برای احتکار یا ذخیره هم به کار میرن]. ما نیاز نداریم که شش ماه بعد بفروشیم. ما نیاز به مواد خام داریم که هر روز تولید باشه و هر روز بفروشیم. این مشکلات ره داره [تولید در افغانستان]. باز هم صرف حب الوطن ما ره اینجه مصروف ساخته [لبخند] اگه نی خیلی آغوش ها باز اس برای ما.

ک: در کارهای غیرتولیدی هم مصروف هستید؟

NANPrivateKabul26082018: بله ها.

ک: در چی بخش؟

NANPrivateKabul26082018: بخش تکستایل.

ک: هنوز هم او شرکت وجود داره؟

NANPrivateKabul26082018: بله ها. برادرم است اونجه.

ک: باز در این فکر هستید که سرمایه ره دوباره انتقال بتین در او بخش؟

NANPrivateKabul26082018: طبعا. اگر بی میلی کنه دولت از این زیادتر ما مجبور میشیم. چون تاجر هستیم نمی خواهیم که راکد بانه پول ما. خیر [مشکلی نیست] که ماشینری خریدیم، در جایش است. مگر این که مه هر روز، مثلا روزانه مه یک هزار دالر مصروف دارم. روزی یک هزار دالر اگه مه مفاد نکنم 1100 دالر خو مفاد کنم که 1000 اش مصرف شوه و 100 اش به مه بانه. اگه 100 اش نمانه چی فایده که این قدر پول ره مه اینجه انویست کردیم. خو این حب الوطن هم تا یک جایی است دیگه نی که خوده خراب کو به نام حب الوطن [لبخند]

ک: همین ره گفتم که شما یکی خو حب الوطن اس و جنبه ی ارزشی موضوع. اما جنبه ی مالی اش چی؟

NANPrivateKabul26082018: همین ره گفتم که ما بدون فایده در یک و نیم سال تا یک قسمتی رفتیم.

ک: بدون مفاد؟

NANPrivateKabul26082018: کاملا مفاد نیس. حتا یک لک و یک و نیم لک دالر هم از جیب خود مارکتنگ کردیم. تلویزیون طلوع ره بته و این ره بتی و او ره بتی.

ک: هنوز هم ادامه داده اید؟

NANPrivateKabul26082018: باز هم ادامه میتیم. یک سال دیگه هم هستم. اگه حکومت نکنه، بعد ما تصمیم خوده می گیریم. خیلی نزدیک هم اس، ازبکستان 9 صد دالر یک کانتینر ره تا افغانستان میاری. ما اونجه میبرم، اونجه تولید می کنم، نام ازبکستانه سرش می زنم و میارم اینجه می فروشم. مردم هم میگن او بیا که این ره بخریم که ازبکی اس. او برادر! او که در خانه ات بود قدرشه ندانستی حالی ازبکی گفته مصرف می کنی. این فرهنگ در افغانستان زیاد اس.

ک: داخلی ره نمی خرند؟

NANPrivateKabul26082018: داخلی ره میگن این افغانی اس! اما تو خو یک بار استفاده کو!

ک: مواد خام چی؟

NANPrivateKabul26082018: مواد خام از امریکا میایه.

ک: کلش؟

NANPrivateKabul26082018: چیزی که زیاد مصرفی اس از نورت کرولاینا می آیه.

ک: چی است او؟

NANPrivateKabul26082018: یک کاغذ است که از درخت جور میشه و اینجه که در ماشین می افته از او طرف پخته می برآیه.

ک: این فقط در نورت کرولاینا پیدا میشه؟

NANPrivateKabul26082018: بله ها. در ایران هم است خو ایران کوالتی اش هم خوب نیس و قیمتش هم بلند اس. دیگر همو کمپنی های که برای ما بار می کنن از نورت کرولاینا هستند.

ک: به حساب پکج و دیگر لوازم، هیچ چیزی از داخل ندارید؟

NANPrivateKabul26082018: داریم. بعضی پلاستیک باب و این گپ هایش وطنی اس. که از فابریکات دیگر می گیریم. اونها اینجه جور می کنن.

ک: سهم او در مصرف تولید تان چقدر اس؟

NANPrivateKabul26082018: یک 4 تا 10 فیصد در وطن جور میشه. شاید.

ک: با کدام نهاد عام المنفعه ای هم در ارتباط هستید که ماهوار یا به اساس تقسیم اوقات برایشان کمک کنید؟

NANPrivateKabul26082018: ما یک بنیاد داریم. یک بنیاد خیریه داریم که سالانه از همین شرکت های که هستیم از فامیل و دوست ها، همه اش پول جمع میشه به همو نهاد و بعدا پخش میشه. به طور مثال، سال پار ما 50 عروسی دسته جمعی داشتیم در ولایت پروان شهر چاریکار، 50 داماد و 50 عروس که با جهیز و تمام امکاناتی که اتاق فرش شوه و یک دو نفر چاره یشان شوه، دیگ و کاسه و بالآخره تخم مرغ و [قطع]

ک: کلشه شرکت ها جمع کردند؟

NANPrivateKabul26082018: همین شرکت های فامیل که هستیم بله ها. دیگه الحمدالله است کارهای خیریه هم جریان داره.

ک: بیشترین تعداد کارگری که داشته اید در چی حد بوده، حد اکثر؟

NANPrivateKabul26082018: حد اکثر 180 نفر.

ک: حالی فعلا چند نفر اس؟

NANPrivateKabul26082018: فعلا 150 نفر.

ک: 180 هم داشته اید پس؟

NANPrivateKabul26082018: بله. چون مارکیترها اس در هر ولایت سه نفر چهار نفر. دو مارکیتر اس و یک مدیر دفتر اس. درایورها اس. بالآخره ما معاش‌خور کمپنی ره برایتان گفتیم که تا 180 نفر ره هم ما معاش داده ایم.

ک: بیشتر فروشات در کدام شهر؟

NANPrivateKabul26082018: کابل و مزار شریف.

ک: مارجن مفادتان چند اس؟

NANPrivateKabul26082018: مفاد نیس! فعلا نداریم چون کمپنی هم تازه اس و برند هم تازه اس. اگه بالای این یک مارجن بانیم باز نمیشه.

ک: چطور امکان داره که شما هیچ مفاد نداشته باشید؟

NANPrivateKabul26082018: چون تا این که مارکیت ره بگیریم و دولت با ما همکار شوه و تا واردات ره بند کنه [قطع]

ک: رقیب ها پس بیشتر خارجی هستند؟

NANPrivateKabul26082018: بیشتر خارجی هستند.

ک: با داخلی ها چی؟

NANPrivateKabul26082018: ما مشکل نداریم با داخلی ها. داخلی همه یش مفاد کار داره. ما با داخلی ها در یک کشتی سوار هستیم. چون همه با خارجی ها مشکل داریم.

ک: یک علتی که به کارتان ادامه میتین نوعیت ماشین تان خو نیس که ماشین قابل انتقال نیس و [قطع]

NANPrivateKabul26082018: [نی] ما هیچ مشکلی نداریم برای انتقال ماشین. ما از کمپنی که ماشین خریده ایم یک کمپنی ایتالوی اس و لایف تایم [live time] گرنتی داده برای ما. و هر شش ماه اگر مه بخواهم ری-پلیس [replace] کنم ری-پلیس میتانم. هیچ مشکلی نداریم در او ناحیه. فقط یک 15 هزار دالر مصرف ما می آیه که این ره انتقال میتم تا کشور دیگری.

ک: ماشین ها به یک نوع تولید به درد می خورند؟

NANPrivateKabul26082018: فقط به درد [...] ماشین دایپر دایپر تولید می کنه و کوتکس کوتکس. فعلا همین دو ماشین ره داریم.

ک: فروشات بیشتر اوگرایی اس یا نقد؟

NANPrivateKabul26082018: افغانستان همو اوگرایی است. حتا کسی ره که نمیشناسی میتی 5، 10 هزار دالر ره برایش. یک دکانک داره، کار و بار می کنه، میتی یک 5، 10 هزار دالره که باز او [بفروشه] و باز پیسه ره بیاره.   
ک: تماما پس [قطع]

NANPrivateKabul26082018: ها تماما پیسه ی ما ره برده اند، یک سی و چند هزار دالر ما ره برده اند دوپه ها [آدم های فریبکار] متأسفانه.

ک: شما چند ساعت در روزی کار می کنید؟

NANPrivateKabul26082018: مه شخص خودم به گفته ی رییس صاحب جمهور [شوخی] 16 ساعت کار می کنم [خنده] چون بوج کار بالای همو رهبریت کمپنی بسیار زیاد میباشه. و کارمندهای ما 8 ساعت و اگر از او اضافه کار کنن، معاش میتیم.

ک: شما قبلا از بخش خدمات وارد بخش تولید شدید. باز توانسته اید که از بخش تولید پس در یک بخش غیرتولیدی سرمایه گذاری کنید؟

NANPrivateKabul26082018: اصلا اصلا! [نی]. اصلا یک دالر ره هم مه از کمپنی کشیده نتانستیم. از پولی ره که مه اینجه انویست کردیم حتا یک دلار ره هم به گفته ی ایرانی مه خارج نکرده ایم. که مه مثلا جای دارم زمین دارم، که بخواهیم که یک ساختمان در او بسازم، اصلا نتانستیم از این پیسه بکشم.

ک: انگیزه یتان؟ چرا در این بخش و چرا در بخش تولید؟ با وجود این که شما از اوضاع افغانستان با خیر بودید؟ چرا از بخش خدمات آمدید در بخش تولید و خاصتا در همین عرصه؟

NANPrivateKabul26082018: خوب در بخش خدمات آدم نمیتانه که خدمت کنه، یک. و از پولی که داری باید [...] مه خوش دارم که طبقه ی بسیار پایین جامعه که همین طبقه ای اس که به روزی 300 افغانی یا کمتر و بیشتر از او کار می کنه. و اینها که [...] مه یک قصه ی جالب خوده برایت کنم که، یک روزی به فابریکه تصادفی رفتم و از مدیر بخش پول خواسته بود یک خانم که به مه معاش پیشکی بتی و او گفته بود که والله پیسه نیس، رییس صاحب ره گیر کو او میته پیسه برایت. این مادر آمد که رییس صاحب مه یک کمی پول کار دارم. گفتم که چی می کنی مادر پوله، گفت که بچیم ایران میره. مه گفتم که بچیت ایران میره از او طرف یا پودری میایه یا قاچاقبر میایه یا یک فعل و فساد دیگر ره همراه خود میاره. چرا روانش می کنی؟ گفت بیکار اس. گفتم بچیته روان کو که مه ببینمش. بچیشه صبح آورد ده دفتر سیل کردم، گفتم بچیم چند ساله هستی گفت "22 ساله". خوب نام خدا قد و توشه و اندامش برابر. گفتم اگر برایت کار بتم ایران نمیری گفت "نی". مه این ره ده بخش صفاکاری روان کردم از صفاکاری حالی در بخش ماشین اس. اگر این آدم بتانه از انجنیر خارجی ما کار ره دزدی کنه [یاد بگیره] این آدم میشه معاشش 50 هزار افغانی. دیگه این بسیار به مه لذتبخش اس از این که در دیگر بخش ها مفاده خارجی بگیره. انشاالله جورش می کنیم. ای وطن میسازمت، آخر خودم میسازمت! [خنده]

ک: این بخش ارزشی و اخلاقی اش شد. همو روزی که برخاستید و گفتید که می خواهید یک شرکت تولیدی باز کنید. حتما محاسبه ی مالی هم در نظرتان بود که باید فایده ای در قبال داشته باشد؟ چرا در بخش تولیدات هایجین؟

NANPrivateKabul26082018: چون این بسیار مصرفی اس! یکی مصرفی اس و دیگه بوج‌بار اس به حساب دکاندارها. این حجمش زیاد اس و وزنش کم. درست؟ یک کانتینر 25 تُنه را شاید 10 تُن این کفایت می کنی. 10 تُن بار کنی کانتینر پر میشه. بنا این هزینه اش زیاد اس [فایده اش زیاد اس] همی حالی هم اگر کشورهای دیگر دمپنگ نکنند، تاجرش زورش نمیرسه [مصرف انتقال بالا اس برای این مواد چون جای زیاده می گیره]. چون همو مواده او هم از امریکا می گیره مه هم می گیرم. ما با تاجرش مشکل نداریم. فقط گپ حکومت ها اس. حکومت [آنها] نمی خواهه که تاجرش از کار بیافته و اینجه [برعکس] نمی خواهه که تاجر سرپای شوه. اینجه فرق اس. در اکثر کشورهای رواج اس. یک دوستم گفت که بیا یک چیزی ره صادر بکنیم 15 فیصد برای ما حکومت میته. دیدم که در هر کشور همین یک چیز معمول اس. مگر افغانستان متأسفانه که همین حکومتی ها اینها بیشتر از این که به اقتصاد فکر کنند در زد و بندهای سیاسی خود هستند. دیگه، انشاالله که یک حکومت خوب شوه و توجه شوه به صنعت.

ک: باز هم همو انگیزه ی اولتان ره نگفتید؟

NANPrivateKabul26082018: یک وقتی خود رییس جمهور گفت که 50 سال پیش مه محصل بودم یک چیزی ره آوردند که ساخت جاپان اس. کلگی تعجب کرد که "وی! جاپان ساخته؟!" مگر امروز همو بهترین برندها جاپانی اس. حالی مه به هموطن های خود میگم که همو خراب خوده استفاده کنید که خوب شوه. اگه تو خراب مه ره استفاده نکنی او ره مه از کجا خوب کنم.

انگیزه حب اولوطن! خلاص [لبخند]. این یک. دیگر این که چیز مصرف اس دو. بوج‌بار اس سه.

ک: کسی مشوره نداد که در این بخش سرمایه گذاری کنید؟

NANPrivateKabul26082018: نخیر. همه چیز از خودم بوده. این یک چیزی اس که تلپت نداره به گفته ی دکاندارها [یعنی] مودش نمیره. در بخش فیشن و در دیگر بخش ها ما کار کردیم. مثلا لباس اس. میاری اگر در یک ماه فروش شد خوب اگر نی باز مودش میره. باید 50 فیصد او ره تخفیف بتی. اگر یک سال ماند خو بیخی کسی نمی خره. دیگه این چیز [مواد تولیدی ما] مود نداره یک، مصرفی اس دو. همین دلایل بود.

ک: تشکر!

NANPrivateKabul26082018: خواهش می کنم!